

چالش‌های فکری فراروی ملاحمد نراقی**

جناب آقای مسجدجامعی، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ؛ بنده هم خدمت جمع عزیز، محققان، دانشمندان و علاقه‌مندان به علم و دین سلام می‌گویم و از اهمیاتی که نسبت به برگزاری این مراسم و یادواره به عمل آمد سپاسگزارم. از فعالیت‌های خوبی که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته، پرداختن به شخصیت‌های علمی، فرهنگی و دینی در نقاط مختلف کشور است. هر نقطه کشور ما به دلیل سابقه طولانی و تاریخی که دارد، دارای چهره‌ها و مشاهیر بسیاری است که این چهره‌ها ارکان هویت دینی و ملی ما را در سطوح مختلف بین‌المللی، داخلی، منطقه‌ای و محلی تشکیل می‌دهند. آشنا شدن با این چهره‌ها نه تنها زمینه بهره‌گیری از انبوه دانش و مهارت آن‌ها را در سطوح علمی فراهم می‌کند، بلکه پشتوانه‌ای است برای استقلال منش و استقلال فکر و آشنایی با تاریخ گرانقدر فرهنگ ایران اسلامی.

امروزه بیشتر شهرهای مهم را با علما و دانشمندان می‌شناسند. تعبیری که حافظ به کار برده شهر یاران است؛ شهری که در آن، محوری قرار داشته از بزرگی و از دانشمندی و او مبنای حرکت، جنب و جوش، علم و دانش و فرهنگ در همه عرصه‌ها بوده و این جنب و جوش و علم‌آموزی تنها در زمان حیات آن عالم وجود نداشته، بلکه در استمرار حیات معنوی او هم شاهد این حضور بوده‌ایم. همچنان که در این کنگره شاهد هستیم که هنوز هم شهر دوست‌داشتنی نراق مزین به نام این دو عالم بزرگوار است و نام و شهرت این دو عالم باعث هویت بخشی به این مجموعه از فرهنگ محلی این منطقه شده است؛ فرهنگی که در شکل‌دهی به میراث ملی ما و میراث فرهنگ اسلامی در

** سخنرانی ایراد شده در سومین روز کنگره فاضلین نراقی که در تاریخ سوم خرداد ماه سال ۱۳۸۱ در دانشگاه آزاد اسلامی نراق برگزار گردید.

سطح بین‌المللی جایگاه و نقش ویژه دارد.

در فرمایش‌های حضرت آیه‌الله سبحانی از تلاش علمای بزرگوار شیعه برای صیانت از دین در قرون مختلف سخن به میان آمد و من به وجه دیگری از این مطلب می‌پردازم که مرحوم ملا احمد نراقی در این زمینه صاحب آثار هستند و تأملاتی داشته‌اند. این وجه جدید از زمانی آغاز می‌شود که ارتباط ما با دنیای امروز غرب آغاز شد. ما از زمان شکل‌گیری حکومت صفویه یا چالش‌های فکری جدیدی روبه‌رو شدیم، اولین گروه‌های فرهنگی که برای آموزش سربازان ایرانی وارد کشور ما شدند همواره با خودشان گروه‌های تیشیری آوردند و این گروه‌ها در قالب فعالیت‌های تبلیغی خود به ترویج برهان‌ها و بنیان‌های جدیدی از تفکر، به ویژه در حوزه دین، پرداختند. در این زمینه فعالیت جدیدی از جانب علما شکل گرفت که در طول این چهارصد سال اگر به آن با نگاه مستقلى نگریسته شود، شاهد شکل‌گیری نوعی نگاه در حوزه تلاش‌های وسیع علمای دین هستیم؛ مطلبی که کمابیش بر تاریخ تفکر به وسیله تاریخ تفکر دینی مهجور مانده است.

نخستین جلسات بحث و بررسی در حوزه مفاهیم و مسائل دینی بین علمای تشیع و علمایی که همراه هیئت‌های فرهنگی آمده بودند از این جا آغاز شد. درباریان بنا بر دلایلی به این مباحث دامن می‌زدند. در همین منطقه در استان اصفهان شاهد شکل‌گیری جلساتی بودیم که به تعبیر امروز انجمن مسیح آن را تشکیل می‌داد و علمای بزرگ دین در این مجالس شرکت می‌کردند. برخی از کسانی که داعیه این بحث را داشته‌اند در کتب تاریخ ما با لقب افرنجی که ظاهراً لقب فرهنگی آن‌هاست نامیده شدند. برخی از آن‌ها از مناطق شام (سوریه امروز) آمده‌اند و پسوند لقب حلب را همراه خود دارند. مجموعه مباحثی که علما و دانشمندان شیعه با اینان داشته‌اند بعضاً به صورت کتاب‌هایی ارائه شد. ما در همان دوران شاهد ترجمه کتاب مقدس هستیم که توسط بزرگان دین انجام شد. برخی از علما زبان‌های عبری را آموختند و این مجموعه ترجمه در سال‌های اخیر با مقدمه یکی از محققین به زیور طبع آراسته شد. بعد از دوران صفویه اغتشاشات داخلی روی داد در دوران قاجار مجدداً شاهد حضور وسیعتر اصحاب کلیسا در مجموعه ارکان دولت هستیم. این بار حرکت صورت گسترده‌تری دارد.

سال‌ها پیش از شکل‌گیری و تأسیس دارالفنون شاهد شکل‌گیری مدارس جدید در مناطقی از کشورمان از جمله ارومیه امروز و بعضاً تبریز و برخی نقاط دیگر بودیم که اداره این مدارس عمدتاً توسط ارباب کلیسا انجام می‌شد. از طرف دیگر شاهد حضور

مبلغانی بودیم که به تربیت مبانی دینی متعلق به کلیسا می‌پرداختند که از جمله آنها فردی بود که اثری را به وجود آورد و جنجال بسیاری را برانگیخت و مرحوم نراقی به پاسخگویی آن پرداخت. پادری، ظاهراً فادری هم آمده است، به معنای فادر. من نمی‌دانم چرا اصحاب فرهنگ و تاریخ فادری را توضیح نداده‌اند. اسم ایشان و اسم اصلیشان پادری نبوده است و در نسبتی که آنان را پدیر روحانی و کشیش می‌گفته‌اند فادر و فادری در منابع ما آمده است.

من در اصفهان با یکی از مسئولان کلیسا و بزرگ مسیحیان آشنا شدم. در آنجا صحبت‌های بسیاری بین ما رد و بدل شد و من بسیاری از متون را در آنجا فرا گرفتم. البته این مسیحی با آنکه دلایل کافی برایش آوردم به اسلام هدایت نشد تا درگذشت. او در همان خاطراتش از گفت و گویی که با یهودیان داشته سخن می‌گوید. ظاهراً در خرم‌آباد از گفتگویی که مجوسی داشته و این نشان‌دهنده اشرفی بوده که علمای دین داشته‌اند. هم با این‌ها گفت و شنود داشتند و هم مطالب‌شان را به خوبی می‌آموختند و هم در مجالس و مباحث آنها حضور پیدا می‌کردند. بعدها در تهران مرحوم حاج هادی نجم‌آبادی این جلسات را تشکیل داد و شاید از آن مهمتر جلساتی است که مرحوم آقانورالله نجفی در حوزه اصفهان داشته. صفاخانه که در مناطق مسیح‌نشین اصفهان شکل گرفته بود از این مقوله بود و مرحوم سیدمحمدعلی داعی‌الاسلام آنچه را که در این بحثها بین طرفین رد و بدل می‌شد به صورت مکتوب درمی‌آورد و آن را در نشریه ماهانه منتشر می‌کرد. و در همین شرایط ما شاهد تلاش علمای دیگر هستیم که به این مسئله پیوستند و در این زمینه آثار ارزشمندی را به وجود آوردند و از جمله پاسخ‌هایی است که به فادری یا پادری داده شد. این، قسمتی است از تلاش علمای بزرگ شیعه به ویژه در سده اخیر و این گفت و شنود، که سنت فرهنگی علمای جامعه ما و دین ما و علمای بزرگ تشیع بود، به صورت جدید استمرار پیدا کرد و شاهد شکل‌گیری آثار جدیدی در این زمینه بودیم.

من در این جا از همه عزیزانی که برای برگزاری این اجلاس تلاش کرده‌اند صمیمانه سپاسگزارم. آثار ارزشمندی به مناسبت این سمینار جمع‌آوری و ارائه شد. غیر از آثار فقهی که بعضی از آنها قبلاً هم به زیور طبع آراسته شده بود، شاهد آثار جدیدتری هستیم که امیدوارم باب جدیدی در مباحث مربوط به حوزه‌ها و سطوح دیگر بگشاید. مجموعه‌ای در هیأت و نجوم به همین مناسبت در دست تهیه است.

عالمان بزرگ این خطه کمابیش با حوزه نجوم جدید آشنا بوده‌اند و چهارچوب مدونی را در عصر خودشان از نگاهشان به نجوم و هیأت باقی گذاشتند که این مسئله

بسیار مغتنم است. آنچه در باب این پدر و پسر و خانواده ارجمند نراقی گفتنی است این است که این دو بزرگوار در هر حوزه‌ای وارد شدند آثار ارزشمندی را از خودشان به جای گذاشتند. حتی در همین بحث‌هایی که درباره فادری یا پادری انجام شد، به آموزش زبان عبری پرداختند و با بسیاری از بزرگان و علمای یهود آشنا شدند. مطالب آن‌ها را از نزدیک شنیدند و با آن‌ها به گفت و گو پرداختند. در اسناد و آثار ما هست که به کتابخانه‌ها و کتب مراجع ما دسترسی پیدا کردند و حاصل این گفت و شنود را به صورت گفت و گوی مستند ارائه دادند و باب این بحث را که در جامعه اسلامی ما آثار زیادی را به خود اختصاص داد، به خوبی گشودند که یکی از بهترین آثار، آثار مرحوم نراقی در این زمینه است. جامع الاطراف بودن این خانواده و این دو بزرگوار باعث شده است که ما بتوانیم از حوزه‌های مختلف ذهنی و علمی آن‌ها خوشه برچینیم.

شرایط و زمانه‌ای که آن‌ها در آن قرار داشتند، از طرفی هجوم افکار بیگانه بود که فرقه‌های مسیحیت یکی از آن‌ها بود و نیز فرقه‌های شیخیه، ربانیه، هجوم تمدن جدید با بهره‌گیری از علم جدید، تأسیسات تمدنی جدید، درگیری‌های برون‌مرزی که جهان اسلام به ویژه ایران را فراگرفته بود. همه اینها شرایطی را می‌ساخت که عالم دین با پختگی ویژه‌ای، افکار خودش را مطرح کند و این همه جانبه‌گری و پختگی را ما در آثار این بزرگواران می‌بینیم و از این رو احیای این آثار نه تنها به عنوان یک سند تاریخی که علمیت و توان علمی این عزیزان را نشان می‌دهد، بلکه چیزی است که دقیقاً می‌تواند پاسخگوی نیازهای امروز جامعه ما هم باشد. اگر مسائل امروز را استمرار مسائل دو قرن اخیر بدانیم - که در مواردی چنین هم هست - احیای این آثار به نوعی جامعیت فکری و ذهنی و اندیشه‌ای در جامعه ما کمک می‌کند.

صمیمانه از عزیزانی که برای این مسئله و احیای این آثار زحمت کشیده‌اند، به ویژه حضرت آقای استادی تشکر می‌کنم و امیدوارم که ادامه این روند را در چهارچوب علمی و نظری خودش هم چنان شاهد باشیم و این نشست و گردهمایی سرآغازی برای فعالیت‌های گسترده‌تری در شناخت اندیشه‌های این بزرگواران باشد؛ نه تنها در اندیشه‌های فقهی بلکه در اندیشه‌های اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اندیشه‌های تربیتی و همه جانبه‌گری و شیوه علمی شیوه گفت و شنیدی که به کار گرفته‌اند.

برای همه شما آرزوی توفیق بیشتر دارم و امیدوارم که ما بتوانیم از تلاشهای دانشمندان و علمای بزرگ خودمان بیشتر بهره بگیریم.

والسلام علیکم ورحمة الله.